

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۳۰ دسمبر ۲۰۱۱



بدون تیوری انقلابی جنبش انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد.

لنبن

دیالکتیکِ حرف و عمل

۲

به ادامه گذشته:

بعضی از سازمان هائی از این جنس، «سازمان انقلابی افغانستان» را بی «عمل» نامیده به این صورت می خواهند انحراف و بیکارگی های خود را بپوشانند و به گمان خود صفوف شان را قناعت دهند! غافل از این که اکثر صفوف آنان در تماس با اعضای سازمان انقلابی از این «عمل» های سازمان خود نفرت دارند و بعضی ها ادعا دارند که آنچه ما در مورد رهبر و رهبران خود به نتیجه رسیده ایم حتی شما هم نمی دانید. این افراد برای توجیه این که چرا در این سازمان مانده اند، مشکلات مادی و استفاده از امکانات دیگر را عنوان می کنند. تا حال فردی از این سازمان ها دیده نشده که در برابر عنوان شدن انحراف های مشهود سازمانش کوچکترین دفاعی کرده باشد و نگفته باشد که تمام آنها را قبول دارد و یا در سکوت رفتاری فرو نرفته باشد.

سازمان انقلابی افغانستان که مرحله انقلاب را مشخص نموده (اشغال کشور و تلاش برای رهائی میهن از قید اشغال) و آن را در کنگره مؤسس سازمان به عنوان مشی این مرحله تصویب نموده و تمام طرح های سیاسی اش را در پرتو این تشخیص در عمل پیاده می کند، بی هیچ سردرگمی و سیاست های واکنشی و لحظه ای با کار دوامدار و

بر حوصله به پیش می رود و نه تنها در برابر هر انحرافی در داخل سازمان بلکه در خارج آن نیز به مبارزه بر می خیزد. در این مرحله که سازمان انقلابی افغانستان برای تشکیل حزب به عنوان یک سیاست محوری تلاش می ورزد، و تدارک خیزش های مسلحانه، آغاز نبرد خلق و تغییر جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی را می بیند لذا پنهانکاری برای سازمان ما در این دوره بسیار با اهمیت است و به این خاطر تلاش دارد تا با این عمل بدنه سازمان از دید امپریالیست ها و مزدوران شان پنهان نگهداشته شود، ورنه به راه اندازی تظاهراتی به ضد مثلاً ایران و یا امریکا در این روزگار چون آب خوردن آسان است. سازمان ما با تهییج صدها جوان محصل برای نخستین بار چنین حرکتی را در همین کابل علیه اشغالگران به راه انداخت و از جمله تظاهرات هائی بود که به درگاه یوناما برده نشد. سازمان ما هیچ مشکلی برای ارضای موقتی و بچگانه افراد صفوفش ندارد، چون سیاست پنهانکاری سازمان را خوب می دانند و هرگز چون خرده بورژواهای پوک خواهان به رخ کشیدن خود در برابر دیگران نیستند و با سیاست «بیا و مرا بگیر» که بعد تبلیغ وسیع در رسانه های غربی به راه بیندازد و از آن «گاو شیری» دالری و یورویی بسازد، مخالف است، چون این حرکت ها باب طبع «انقلابیونی» است که با «عمل» اکونومیستی «مبارزه در راه وضعیت اقتصادی» و «هزینه کردن برای دوره تقاعد رهبران شان» چند تن از اعضای خود را وارد میدان می سازند و افراد کرائی را استخدام می کنند تا بعد بگویند که ما «قهرمانان عمل» هستیم و بدینگونه عوامفریبی نه که صفوف فریبی نمایند.

اما عمل پنهانکاری هرگز معنی مخفی گرائی را نداشته، هر سازمان انقلابی می تواند با هویت غیر سازمانی به عمل دموکراتیک که بتواند سرپوش مناسبی برای پنهانکاری گردد توسل جوید، چیزیکه سازمان انقلابی در این زمینه به طور عمده موفق بوده است. تلاش بعضی ها برای این که افراد شرکت کننده در کنگره، اعضای رهبری و کمیته های ولایتی سازمان را شناسائی کنند، در اثر این پنهانکاری به نتیجه نرسیده و شرمسار گشته اند.

سازمان انقلابی افغانستان مطابق سیاست محوری اش دست به عمل نوشتن، نشر و پخش تحلیل ها و ارزیابی های خاصی از اوضاع کشور، اوضاع جنبش چپ، توطئه ها و سیاست های اشغالگران و مزدوران آنان زده و بالاخره به این سؤال که «افغانستان به کجا می رود؟» پاسخ در خور داده است. نه تنها اعضای سازمان انقلابی که اعضای سازمان های دیگر نیز از آن استفاده نموده اند و در جنبش انقلابی افغانستان با تمام کاستی های آن برای نخستین بار «تحلیل طبقات جامعه افغانستان» را نوشته و به پیشگاه این جنبش تقدیم نموده است و کار بر روی نوشته ارزشمند و بی نظیر «تاریخ، نبرد طبقاتی» نیز جریان دارد و به زودی هم به پایان خواهد رسید. تنها پهلوان پنبه ها که خود چیزی برای ارائه ندارند، می توانند به کار سترگ سازمان در بخش تبلیغ و ترویج با تمسخر «فیگور» بگیرند، اما آنانی که وضعیت دردناک افغانستان را می دانند که جنگ طلبان فاشیست چگونه به سلاخی خلق ما مصروف هستند و در چنین شرایطی اپورتونیست ها، رفورمیست ها و رویونیست های خاین، جنبش ما را به انحراف و ارتداد می برند، اهمیت کار تبلیغی و ترویجی سازمان انقلابی را درک نموده و به آن ارزش قایل هستند. در اسناد کمینترن به قلم ای. میشر در مورد اهمیت تبلیغ و ترویج در شرایط همسان ما اینگونه تأکید صورت گرفته است:

«بسیاری از رفقای ما به نحو خطرناک تمایل دارند که به تبلیغ و ترویج دشمنان ما کم بها دهند. آنان مسایل تبلیغ و ترویج را ثانوی می دانند و قادر به درک این امر نیستند که در موقعیت فعلی دقیقاً آن مسایل شدیدترین و متمرکزترین توجه را می طلبد. این یک تکلیف مطلقاً تعین کننده احزاب کمونیستی است که هر روزه با تبلیغ عقاید ما با شیوه ای نوین با فاشیزم به مقابله برخیزند. فاشیزمی که با هر وسیله آشکار و پنهان می کوشد مالک اذهان توده ها شود. تبلیغ و

باز هم تبلیغ، با به کار گرفتن هر امکانی برای عقاید ما به نزد توده ها و مقابله با استدلال های فاشیستی و رفرمیست ها به منظور آوردن نسیم تازه نقطه نظر ما به فضائی که با فاشیزم مسموم شده است اکنون بیش از هر زمان دیگر در مقابل احزاب کمونیستی قرار دارد. یکی از مهمترین پیش نیازها برای یک مبارزه موفقیت آمیز علیه سرکوبگران فاشیست و جنگ طلبان برای یک حمله موفق به توهمات مخرب رفرمیست ها، بهسازی کمی و کیفی تبلیغات ما با انتشار کتابهای بیشتر، جزوه های بیشتر، روزنامه های بیشتر، کتابهای بهتر، جزوه های بهتر و روزنامه های بهتر است.»

گرچه عمل افشاءگری سیاسی ما به مذاق اپورتونیست ها و مدالگیران خوش نمی آید و فغان شان را بالا کرده است، اما این وظیفه لنینی سازمان ماست که این عمل را بیش از پیش و با قاطعیت ادامه دهد، در غیر آن ادعای پیشاهنگ بودن به حرف مسخره ای می ماند که از گلوی آنانی بیرون می افتد که بلشویک نیستند. ما برای این که روح فعالیت سازمان را پرورش دهیم، باید به حیث وظیفه مبرم به عمل افشاءگری سیاسی در هر سطح ممکن دست بزنیم. زنده یاد رفیق پاغر همواره تأکید می نمود که رهبران، کادرها و صفوف سازمان انقلابی وقتی می توانند بلشویکی عمل کنند که در کار بزرگ مبارزه، عمل افشاءگری های سیاسی را فراموش نکنند و تا توان دارند استعمارگران، ارتجاع، اپورتونیست ها و رویزیونیست ها را در جبهه های گوناگون شان مورد حمله سیاسی قرار داده و ماسک شان را بدرند و عوامفریبی شان را نمایان سازند. او همیشه با تأکید بر این مسأله به صحبت های لنین اشاره می کرد:

«...افشاءگری های همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی است.»... «...اجرای تبلیغات سیاسی بسیار وسیع و بنابر این فراهم نمودن موجبات افشاءگری های همه جانبه سیاسی نیز وظیفه مطلقاً ضروری و مبرم ترین وظیفه ضروری فعالیت است به شرطی که این فعالیت حقیقتاً سوسیال دموکراتیک باشد.»... «در زمان ما تنها حزبی می تواند پیشاهنگ قوای انقلابی گردد که بتواند موجبات افشاءگری ها را واقعاً در برابر عامه مردم فراهم سازد.»... «و اما یکی از شرایط اساسی توسعه ضرورت تبلیغات سیاسی، تهیه زمینه افشاءگری های همه جانبه سیاسی است. معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده ها را با هیچ چیز نمی توان تربیت نمود مگر به وسیله همین افشاءگری ها.»

چه باید کرد؟ لنین

سازمان انقلابی افغانستان با در نظر داشت اهمیت افشاءگری سیاسی، بی هیچ وقفه ای از طریق انتشارات دموکراتیک که باز هم تمرکز آن ها علیه اشغال است، به عمل روشنگرانه و آگاهگرانه دست زده و این عمل را از طریق سایت های معینی نیز به پیش می برد، کاری که از هر خرده کاری، لست گیری های مالی، سپانربازی و پروپوزل سازی که مسئولان بعضی از سازمان های «چپ» تا گلو در آنها فرو رفته و نام آن ها را کاذبانه «عمل» انقلابی می گذارند، هزار بار عمل انقلابی و بلشویکی بوده و وظیفه اساسی سازمان های انقلابی مانوسه دون اندیشه را می سازد. سازمان انقلابی عمل انقلابی دفاع از انقلابیون بزرگی چون رفیق اکرم یاری، رفیق داکتر فیض احمد، رفیق مجیدکلکانی، رفیق سیدال سخندان، رفیق مینا و انقلابیون دیگر شعله ئی را و وظیفه وجدانی خود دانسته، در به سر رساندن این عمل های انقلابی هیچ تشویشی که فلان جاسوس و یا وزیر خارجه فلان کشور اشغالگر مستمری آن را کم خواهد کرد، ندارد و این را در این پنج سال در پراتیک به اثبات رسانده که جز به حرف و عمل

انقلاب به چیزی نمی اندیشد و در این موارد از اتهام «پرگوئی» هیچ تشکلی ظاهراً چپی نهراسیده، آنانی از این عمل می ترسند که ریگی در کفش داشته باشد!!

سازمان انقلابی در مورد «عمل» ضد انقلابی شرکت در انتخابات پارلمانی نه تنها موضع کاملاً روشنی دارد بلکه افتخار عمل تهیه نوشته ای در این مورد را نیز دارد که در آن ماهیت شرکت در انتخابات زیر اشغال را کاملاً روشن ساخته که مورد استقبال بعضی از سازمان های چپ داخل و خارج کشور نیز قرار گرفته است. اما بعضی از سازمان های «چپ» از ترس سازمان های چپ انقلابی بعد از «عمل» شرکت در لویه جرگه ها و مدال گرفتن از «جاسوس خاندانی» چون مجددی، «عمل» شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، «عمل» شرکت در انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی و بار دیگر «عمل» شرکت در انتخابات شوراها و ولایتی و باز هم «عمل» پر افتخار زیر سایه ریاست مجددی نشستن، ظاهراً شرکت در انتخابات اخیر ولسی جرگه را نفی کردند، اما در «عمل» تمام اعضاء و هواداران آن ها به طور پنهانی به نامزد مشخصی رأی دادند، و بعد از آن به «عمل» شرکت در جرگه مشورتی صلح و «عمل» شرکت در لویه جرگه عنعنه ئی نیز تن دادند.

با تمام موارد فوق، رهبری منحرف این سازمان ها، سازمان انقلابی افغانستان را به درستی به «بی عملی» و «پرگوئی» متهم می سازند و خود را بی هیچ خجالتی افراد «عملی» می نامند، زیرا «عمل» اینان تا عمل سازمان انقلابی افغانستان زمین تا آسمان تفاوت دارد. «عمل»ی که صدها عضو صادق، فداکار و معتقد به مارکسیزم را از یک سازمان جدا و سازمان پر شاخ و پنجه را به انجوی خانوادگی مبدل سازد، ارزانی سازمان هائی باد که با چنین «عمل» هائی، میخ اشغال را در کشور ما محکمتر می کوبند.

رهبران این چنین سازمان هائی که تنبل، کرخت، بی احساس، بیکاره و لمیده در «آفتاب» و «سایه» می باشند و غیر از «عمل» ارزیابی لست های مالی به هیچ چیزی کوچکترین علاقه ای ندارند، از نوشته و مطالعه بیزار اند و گاه برای پُر کردن وقت، «عمل» قطعه بازی را نیز به پیش می برند، پس برای حفظ صفوف در حال فرار شان باید چنین لاطیلاتی را در مورد سازمان انقلابی افغانستان سر به سر کنند. وقتی سازمان انقلابی به جواب «حزب کمونیست (مائویست) افغانستان» از رهبر بزرگ جنبش انقلابی کشور داکتر فیض احمد و یار هم‌رزم او مینا دفاع کرد، جوانان سازمانی که خود را ناحق «میراث دار» خون احمد عزیز می داند، این عمل انقلابی سازمان ما را ستوده و آن را یک عمل انقلابی خواندند. این جوانان که دیگر از تشخوارهای رهبری خسته شده اند، از رهبری کرخت و بیکاره خود می پرسند که «عمل» دفاع سازمان ما از داکتر و هم‌رزم او در کجاست؟

سازمان انقلابی افغانستان، لحظه ای از عمل انقلابی آموزش جوانان، نوجوانان و افراد دیگر غافل نبوده، آنان را تشویق می کند تا مطالعه کنند و بنویسند، در عمل به کار انقلابی پرداخته، جهت تقویت بنیه مالی سازمان که فقط بر کار رهبران، کادرها، اعضاء و هوادارانش متکی است، حق عضویت بپردازند و به سازمان شان اعانه بدهند. اعضای سازمان به خاطر تأمین زندگی خود، تقویت بنیه مالی سازمان و تبلیغ و ترویج نظرات سازمان شب و روز کار می کنند، در گوشه ای نمی لمد و با کار شبانه روزی هم به خود و هم برای سازمان خود پول به دست می آورند، به این خاطر با وجدان آرام و گردن فراز دساتیر سازمان شان را از دل و جان عملی می سازند. آیا عمل انقلابی بالاتر ازین وجود دارد؟ در صورتی که یک سازمان این عمل انقلابی را انجام ندهد باید برای هر جاسوسی تمکین کند، خود را به «عمال مزدور» تبدیل سازد و اعضای صادق و بی آرایش خود را تشویق نماید که با بیش‌ر می مطلق از جلادان کشور ما «سپاسگزاری» نمایند.

سازمان ما افتخار دارد که در پنج سال بعد از ایجادش با پیوستن جوانان انقلابی بسیاری به آن، پیوسته رشد نموده

است و این ممکن نبود تا جوانان به مشی و سیاست های انقلابی آن باورمند نمی شدند و در عمل انقلابی به این جوانان نشان نمی داد که سازمان شان درست می اندیشد، نه مثل بعضی از این سازمان ها که با هزار عذر و زاری و تطمیع مالی و وعده های غیر مستقیم تشکیل خانواده و... عده ای انگشت شمار را نگه داشته اند. تعداد قابل توجهی که به این سازمان ها پشت کرده اند، هیچ کدام میل پیوستن دوباره به این سازمان ها را نداشته و دیری نخواهد پائید که جوانانی که هنوز بنابر معاذیر خاصی در چنین سازمان هائی مانده اند به آن پشت خواهند کرد و آنانی که قلب شان واقعاً برای انقلاب می تپد به الترناتیو واقعی انقلابی (سازمان انقلابی افغانستان) رو خواهند آورد. به این خاطر در آخر این نوشته برای این که رفع مسوولیت کرده باشیم، از اعضاء و کادرهای این سازمان ها دعوت می کنیم که دیگر از همراهی فاسد نمودن «شرافتمندانه»ی ذهن خلق های استعمار دیده ما به وسیله رهبران شان دست کشیده و به سان انقلابیون واقعی در کنار سازمان انقلابی افغانستان قرار گرفته، وجدان شان را راحت ساخته و پرچم پر افتخار مرگ بر امپریالیزم، در راه سوسیالیزم به پیش! را با اصولیت پرولتری و انقلابی به اهتزاز درآورند.

مرگ بر امپریالیزم
در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان
قوس ۱۳۹۰

«ما به شکل گروه فشرده ی کوچکی در راهی پر از پرتگاه و دشوار دست یکدیگر را محکم گرفته و به پیش می رویم. دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته اند و تقریباً همیشه باید از زیر آتش آنها بگذریم. اتحاد ما بنابر تصمیم آزادانه ی ما است. تصمیمی که همانا برای آن گرفته ایم که با دشمنان پیکار کنیم و در منجلاب مجاورمان در نغلتیم که سکنه اش از همان آغاز ما را به علت این که به صورت دسته ای خاصی مجزا شده نه طریق مصالحه بلکه طریق مبارزه را برگزیده ایم، سرزنش نموده اند. (...)! بلی، آقایان، شما آزادید... هر کجا دلتان می خواهد بروید ولو آنکه منجلاب باشد؛ ما